

نظام اعمال تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران در حقوق آمریکا

جعفر طباطبائی^۱، ابومحمد عسگرخانی^{۲*}، خیرالله پروین^۳

چکیده:

زمینه و هدف: روند اعمال تحریم‌ها در کشور آمریکا بسیار پیچیده و درعین حال شفاف است. نهادهای دارای قدرت در اعمال تحریم در این کشور مختلف بوده و برای اینکه تصمیم‌ها یا مصوبات آنها قدرت اجرایی به خود بگیرد، سازوکارهای متفاوتی دارد. تحریم‌های آمریکا علیه ایران به دو صورت دستور اجرایی و قانون اعمال شده است. دستور اجرایی فرمانی است که رئیس‌جمهور آمریکا صادر می‌کند و حیطه عملیاتی آن کارکنان و مجموعه اجرایی تحت عملکرد رئیس‌جمهور است. گنگره نیز با اختیارات گسترده و با وضع قوانین مختلف و قوه قضائیه نیز از طریق آرای محاکم خود در تحریم‌های ایران نقش داشته‌اند؛ که در این پژوهش، هدف، آشنایی با این نهادها و انواع اقدامات آنها در اعمال و اجرایی نموده تحریم‌ها علیه ایران می‌باشد.

روش تحقیق: پژوهش حاضر توصیفی و تحلیلی است. به این ترتیب، سعی شد با بررسی منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، نظام اعمال تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران مطالعه شود.

یافته‌ها و نتایج: تحریم دو بازیگر اصلی دارد. کشور یا کنش‌گر فرستنده (Sender) و کشور یا کنش‌گر هدف (Target) که تحریم علیه آن انجام می‌گیرد. نویسندگان قانون اساسی آمریکا به منظور جلوگیری از تمرکز قدرت، با تقسیم قدرت میان سه شاخه حکومت، سیستم توازن و بررسی را به وجود آورده‌اند و هر قوه بر عملکرد دیگری نظارت می‌کند که در اعمال تحریم علیه کشورها نیز همین رویه پیگیری می‌شود و هر نهادی در محدوده اختیاراتی که دارد، می‌تواند به اعمال تحریم علیه دیگر کشورها اقدام می‌کند، ولی برای اجرایی شدن این اقدام، نظارت‌ها و سازوکارهای مختلفی پیش‌بینی شده است. در اعمال تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران، نهادهای مختلفی در نظام حقوقی این کشور دارای قدرت اعمال تحریم هستند. علاوه بر گنگره که قدرت قانون‌گذاری را دارد و در این چند سال اخیر اقدام به وضع قوانین مختلف پیرامون تحریم ایران از جنبه‌های مختلف کرده است، قوه مجریه با دستور اجرایی یا فرمان رئیس‌جمهور یا تصمیمات و مصوبات وزارت خزانه‌داری و موسسه افک و همچنین، قوه قضائیه با آرای محاکم خود اقداماتی را برای تحریم در ابعاد مختلف گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: تحریم، تحریم یک‌جانبه، گنگره، فرمان رئیس‌جمهور، آرای محاکم، آمریکا.

* دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق بین‌الملل، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

** دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) asgarkha@ut.ac.ir

*** استاد تمام گروه حقوق عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

علی‌رغم اختصاص وضع تحریم به شورای امنیت که آن نیز می‌بایست با رعایت اصول عام حقوق بین‌الملل، قواعد آمره بین‌المللی، مقررات منشور سازمان ملل و حقوق بشر و بشردوستانه صادر شود، برخی کشورها دست به اعمال تحریم‌های یک‌جانبه علیه کشورهایی دیگر می‌زنند. آنچه به عنوان تحریم‌های یک‌جانبه مدنظر است، تحریم‌هایی است که از سوی یک کشور علیه کشور یا کشورهایی اعمال می‌گردد. اصولاً تحریمی قابل توجه است که توسط یک قدرت بزرگ اعمال شده باشد و یا وابستگی کشور تحریم‌شونده به تحریم‌کننده قابل توجه باشد. از نمونه‌های بارز تحریم‌های یک‌جانبه می‌توان به تحریم امریکا علیه ایران اشاره نمود.

بدواً باید بیان داشت دیدگاه‌ها و تعاریف مختلفی از «تحریم» توسط دانشمندان علوم مختلف اجتماعی ارائه شده، اما هیچ‌گاه در مورد آن اتفاق نظر حاصل نگردیده است. در فرهنگ لغت و اصطلاحات سیاسی لغت (Sanction) معادل تحریم، اجازه دادن و تصویب کردن، مجازات، جریمه، ضمانت اجرایی معنی شده است (ابراهیمی و اوپار حسین، ۱۳۹۱: ۵). «Sanction» در زبان فرانسه عبارت است از: «آلام و مجازات‌هایی که عادلانه وضع شده است و می‌تواند تهدید کند و تحمیل شود». تحریم به اقدامی تنبیه‌گونه علیه یک کشور اطلاق می‌گردد تا الگوی رفتاری خود را تغییر دهد. تحریم انواع متفاوتی دارد، گرچه تحریم‌های شورای امنیت با داشتن شرایط مربوط صرفاً تنها تحریم‌های مجاز در منشور به حساب می‌آید، ولی هم‌اکنون ایران در معرض تحریم‌های یک‌جانبه، یعنی تحریم‌های خارج از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد توسط آمریکا و کشورهای متحد آمریکا قرار گرفته است.

یکی از مهمترین تقسیم‌بندی‌های صورت گرفته از تحریم‌ها، تقسیم آن به یک‌جانبه و چندجانبه است. آنچه به عنوان تحریم‌های یک‌جانبه مدنظر است، تحریم‌هایی هستند که از سوی یک کشور علیه کشور یا کشورهایی اعمال می‌گردد. البته، آنچه در این تحریم‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد، طرفین آن است؛ یعنی اصولاً تحریمی قابل توجه است که توسط یک قدرت بزرگ اعمال شده باشد و یا وابستگی کشور تحریم‌شونده به تحریم‌کننده قابل توجه باشد. تحریم یک‌جانبه در واقع اقدامات تنبیهی است که یک کشور علیه کشور دیگر بر اساس سیاست خارجه و امنیت ملی خود وضع می‌کند. «چنان‌که ایالات متحده‌ی امریکا علیه ایران این تحریم‌ها را وضع کرده و عدم رعایت آن، مجازات‌های کیفری (حداقل ۱ میلیون دلار یا حداقل بیست سال حبس یا هر دو) و مدنی (بیست و پنج هزار دلار یا دو برابر میزان معامله) در پی دارد» (خوش‌ضمیر، ۲۰۱۲: ۲).

در این مقاله، در پی پاسخ به این پرسش هستیم که با توجه به سیستم تفکیک قوا، هر یک از

قوای سه گانه و دیگر نهادهای سیستم حقوقی امریکا چه نقشی در پیشبرد سیاست‌های تحریمی امریکا علیه ایران دارند؟ و در عمل برای اینکه قانون یا فرمان اجرایی یا حکم صادره لازم‌الاجرا گردد، چه فرایندی را باید طی نماید؟ در جهت پاسخ به سوالات یاد شده در ادامه نقش و فرایند عملی سیستم اجرایی تحریم توسط هر یک از نهادهای یاد شده را به تفکیک مورد مطالعه قرار می‌دهیم. در این مقاله سعی شده نقش قوه مقننه و مجریه امریکا بویژه وزارت خزانه‌داری امریکا، وزارت خارجه امریکا و قوه قضائیه امریکا مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۱. کنگره ایالات متحده آمریکا (مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا و مجلس سنا ایالات متحده آمریکا)

کنگره آمریکا شاخه قانونگذاری در دولت این کشور بوده و از ۲ مجلس سنا و نمایندگان تشکیل شده است. اکثر تحریم‌های کنگره در ارتباط با ایران از نوع ثانویه بوده که گستره مجازات آن شامل همه دولت‌ها و شرکت‌های خاطی دنیا است. به طور کلی، کنگره دارای دو نوع قدرت است: قدرت‌های تصریح شده در قانون اساسی و قدرت ضمنی. قدرت‌های تصریح شده، در فصل اول بخش هشتم و همچنین، فصول پنجم و هفتم (اصلاحیه شانزدهم) قید شده و ۲۸ مورد هستند. این قدرتها شامل مواردی مثل وضع و وصول مالیات‌ها، عوارض گمرکی، تعرفه‌ها، تنظیم مقررات با کشورهای خارجی، اعلام جنگ، تشکیل ارتش و حمایت از آن، تصویب نامزدهای پیشنهادی رئیس‌جمهور برای سمت‌های فدرالی همچون اعضای کابینه و جایگاه‌های کلیدی اجرایی، نمایندگان و سفرای امریکا در کشورهای دیگر، فرماندهی مراکز نظامی امریکا در نقاط مختلف جهان می‌شوند که همگی مجریان سیاست خارجی امریکا هستند. همچنین، بر طبق بخش دوم فصل دوم قانون اساسی، رئیس‌جمهور برای تصویب معاهداتی که درباره آنها مذاکره کرده است، به «مشورت و رضایت» سنا یا به عبارتی، رأی دو سوم نمایندگان مجلس سنا، نیاز دارد. قدرت‌های ضمنی نیز از بند آخر بخش هشتم فصل اول قانون اساسی نشأت گرفته که طبق آن، کنگره حق دارد در موارد «ضروری و مقتضی» قوانین مورد نیاز تصویب نماید (نورمن، ۲۰۱۷: ۴-۲). بدو در خصوص کارایی تحریم‌های کنگره علیه ایران باید بیان داشت که هر زمان که کنگره امریکا در موضوع ایران وارد شده، امریکا نسبت به ایران سخت‌گیرانه‌تر شده و این موضوع با تصویب قانون داماتو به وضوح قابل مشاهده است. در واقع، کنگره کوشش کرده تا سیاست‌های خود در قبال ایران را به صورت تصویب قوانینی مطرح کند که قابل تسری به کل جهان بوده و سایر کشورها نیز ملزم به پیروی از آن باشند. از زمان کلینتون، کنگره وارد موضوع ایران شد و دولت این کشور را وادار کرد تا از طرح‌های کنگره در قبال ایران پیروی نماید. پس از این زمان، میزان پیروی دولت از کنگره در قبال ایران بیشتر شده و حتی در برخی موارد مثل موضوع هسته‌ای ایران، دولت به

بازوی اجرایی سیاست‌های کنگره در مقابل ایران تبدیل می‌گردد (مرادی و دهشیار، ۱۳۹۶: ۹۶).
مهمترین قوانین مصوب کنگره در ارتباط با تحریم‌های ایران به شرح جدول شماره ۱ است که در شرح آن در ذیل آمده است:

قوانین مصوب کنگره امریکا علیه ایران

ردیف	قوانین مصوب کنگره	سال	علت
۱	بودجه دفاعی ۱۹۹۳	۱۹۹۲	عدم اشاعه سلاح کشتار جمعی
۲	قانون ایسا	۱۹۹۶	عدم اشاعه سلاح کشتار جمعی - تروریسم
۳	قانون عدم اشاعه ایران	۲۰۰۰	عدم اشاعه سلاح کشتار جمعی
۴	قانون حمایت از آزادی ایران	۲۰۰۶	عدم اشاعه سلاح کشتار جمعی - تروریسم - حقوق بشر
۵	قانون سیسادا	۲۰۱۰	عدم اشاعه سلاح کشتار جمعی - تروریسم - حقوق بشر و ...
۶	قانون عدم اشاعه ایران، سوریه و کره شمالی	۲۰۱۱	عدم اشاعه سلاح کشتار جمعی - تروریسم - حقوق بشر و ...
۷	بخش ۳۱۱ قانون میهن پرستی امریکا	۲۰۱۱	عدم اشاعه سلاح کشتار جمعی - تروریسم و ...
۸	بودجه دفاعی ۲۰۱۲	۲۰۱۱	عدم اشاعه سلاح کشتار جمعی - تروریسم - حقوق بشر و ...
۹	قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه	۲۰۱۲	عدم اشاعه سلاح کشتار جمعی - تروریسم - حقوق بشر و ...
۱۰	بودجه دفاعی ۲۰۱۳	۲۰۱۲	عدم اشاعه سلاح کشتار جمعی - تروریسم - حقوق بشر و ...
۱۱	تحریم ۵۰ شرکت و موسسه مالی ایران	۲۰۱۲	عدم اشاعه سلاح کشتار جمعی
۱۲	قانون منع آمدو شد	۲۰۱۵	تروریسم
۱۳	تمدید قانون ایسا	۲۰۱۶	تروریسم

جدول شماره ۱

طبق قانون تحریم ایران معروف به ایسا که در سال ۱۹۹۶ تصویب شد، نهادهای مالی، موسسه‌های بیمه، اعتباری صادراتی، شرکت‌هایی که بیش از ۲۰ میلیون دلار در صنایع انرژی ایران سرمایه‌گذاری نمایند و شرکت‌هایی که محموله‌های کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران را بیمه یا بنزین برای ایران تامین کنند، تحریم می‌گردند. تحریم شرکت نفت ایران که در سوئیس ثبت شده

است، اولین مورد از تحریم‌ها براساس قانون ایسا بود. همزمان با تحریم مذکور، چهار شرکت مهم در حوزه انرژی پس از بحث و بررسی‌های زیاد با تعهد به خاتمه بازرگانی با ایران، تحریم نشدند. آن شرکت‌ها عبارتند از:

۱- توتال فرانسه، ۲- استارت اوپل نروژ، ۳- انی ایتالیا، ۴- رویال داچ شل بریتانیا و هلند و شرکت نفتی اینپکس ژاپن در تاریخ ۱۷ نوامبر ۲۰۱۰ به دلیل خروج از طرح آزادگان از تحریم‌ها معاف شدند. شرکت نفتی «بلارووسنفت متعلق به دولت بلاروس که قراردادی ۵۰۰۰ میلیون دلاری با شرکت نفت ایران (تحریم شده در سپتامبر ۲۰۱۰) جهت توسعه میدان نفتی «جفیر» منعقد نموده بود، در ۲۹ مارچ ۲۰۱۱ با استناد به قانون ایسا تحت تحریم امریکا قرار گرفت. دیگر شرکت‌های زیرمجموعه «بلارووسنفت» طبق قانون اجرایی ۱۳۴۰۵، تحت تحریم قرار گرفته بودند (بهروزی‌فر، ۱۳۸۳: ۱۲۱).

جرج بوش نیز پس از آغاز ریاست‌جمهوری‌اش، کوشش کرد تا تأثیرات قانون ۱۹۹۶ را کاهش دهد و هنگامی که آن را در سال ۲۰۰۱ برای تمدید مجدد، به او ارائه دادند، از کنگره خواست تا مدت آن را از مدت پنج سال به دو سال کاهش دهد. دولت بوش معتقد بود که مدت دو سال، کمتر باعث ناراحتی متحدان اروپایی می‌شود؛ اما کنگره به طور قاطع به تمدید پنج ساله اصرار ورزید و در نهایت، بوش نیز آن را امضا نمود. در ۲۰۰۷ نیز، اعضای کنگره «قانون ضد گسترش ایران» با رأی ۳۹۷ به ۱۶ تصویب کردند که توانایی رئیس‌جمهور برای به تعویق انداختن شرکت‌های خارجی سرمایه‌گذار در بخش انرژی ایران را بسیار کم کرد. البته، این لایحه تنها در مجلس نمایندگان تصویب شده و با مخالفت شدید دولت مواجه شد؛ چرا که نگران بود که این قانون می‌تواند به کوشش‌های دیپلماتیک امریکا برای ایجاد یک ائتلاف بین‌المللی در حمایت از تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران آسیب وارد کند (جاکوبسون، ۲۰۰۸: ۸۳).

در دوره اوباما، تنش‌های میان قوه مجریه و کنگره شدیدتر شد، چرا که اوباما فعالیت‌های کنگره را تهدیدی برای تلاش‌های سطح بالای دیپلماتیک خود برای رسیدن به توافق با ایران در موضوع برنامه هسته‌ای در سال ۲۰۰۸ اعلام کرد که در صورت پیروزی موافق پیگیری دیپلماسی مستقیم با ایران بوده و کوشش می‌کند تا سیاست‌های بوش را در قبال ایران تغییر دهد؛ اما اعضای کنگره معتقد بودند که سیاست‌های بوش در قبال ایران نباید تغییر یابد، بلکه باید شدیدتر نیز بشود (احمدی، ۲۰۱۳: ۶۷-۶۶). اوباما پس از رسیدن به قدرت، کوشش کرد تا به‌طور دیپلماتیک با ایران تعامل نماید، اما پیشرفت کمی نشان داد. قانونگذاران ۲۰۰۹ وقتی که مسیر دیپلماتیک در ماه‌های اول به شدت نسبت به دیدگاه جدید دولت بیتابی نشان داده، شروع به ارائه و پیشبرد لوایح تحریمی یک‌جانبه جدیدی علیه ایران نمودند. در آوریل ۲۰۰۹، «برمن»، رئیس کمیته خارجی مجلس نمایندگان، به همراه «رز لتین»، قانون «تحریم‌های جامع ایران، مسؤولیت‌پذیری و عدم

سرمایه‌گذاری در ایران» را معرفی کردند که تحریم‌های جدیدی بر دولت‌ها، شرکت‌ها یا اشخاصی تحمیل می‌کرد که به فروش گاز ایران کمک نموده و اینکه تبادلات دیگری با ایران انجام می‌دادند. در دسامبر ۲۰۰۹، این لایحه با آرای ۴۱۲ به ۱۲ در مجلس نمایندگان تصویب شد (کارتر، ۱۹۹۸).

قانون فوق در ۲۴ ژوئن ۲۰۱۰ به تصویب کنگره امریکا رسید و ۱ جولای ۲۰۱۰ توسط رئیس‌جمهور امضا شد. در مقدمه، این قانون را تکمیل قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت می‌داند. برای اجرای این قانون، وزیر خزانه‌داری امریکا در جهت ممنوعیت یا تحمیل محدودیت‌هایی شدید در مورد گشایش حساب ارتباطی در امریکا یا قابلیت پرداخت از طریق حساب برای یک نهاد مالی خارجی که طبق اطلاع وزیر خزانه‌داری آگاهانه به فعالیت‌های زیر اشتغال‌گرفته است، ملزم به صدور آیین‌نامه‌هایی شد:

- ۱- تلاش ایران برای تسهیل سلاح‌های کشتار جمعی،
- ۲- تسهیل فعالیت‌هایی که طبق قطعنامه‌های شورای امنیت ممنوع شده است،
- ۳- پولشویی توسط کلیه نهادهای مالی ایران،
- ۴- تسهیل معامله با سپاه پاسداران.

قانون فوق همچنین وزیر خزانه‌داری را مکلف می‌سازد تا به صدور مقرراتی بپردازد تا به موجب آن، هر شخصی را که تحت اختیار یا کنترل یک نهاد مالی داخلی قرار دارد، از ورود آگاهانه به معامله یا معامله‌هایی به سود سپاه یا هر یک از کارگزاران و شعب آن که دارایی آن‌ها به موجب قانون اختیارات اضطراری بین‌المللی مسدود شده است، جلوگیری نماید.

در این قانون، شرکت‌هایی که به ایران بنزین و دیگر فرآورده‌های نفتی بفروش رسانند، از حضور و شرکت در بازارهای امریکا محروم خواهند شد. هر نقض‌کننده‌ای به پرداخت جریمه ۲۵۰۰۰۰ دلار یا ۲ برابر ارزش معامله و جرایم جنایی به خاطر نقض عامدانه مقررات تا مبلغ یک میلیون دلار و ۲۰ سال زندان محکوم می‌شود. همچنین، این قانون کشورها را مختار به انتخاب بازرگانی و ارتباط مالی با ایران یا امریکا می‌نماید و بر اساس آن، هر شرکتی که از طریق فروش فرآورده‌های تصفیه شده به ایران عوایدی معادل یک میلیون دلار یا بیشتر کسب کند یا در طول یک سال به تدریج به تامین یکی از این فرآورده‌ها به ارزش پنج میلیون دلار به ایران مبادرت ورزد، مشمول تحریم‌های امریکا قرار می‌گیرد. تحریم شرکت‌های صادرکننده بنزین به ایران و منع خریداری نفت از این شرکت‌ها برای ذخایر راهبردی امریکا بخشی از این قانون است. در پاراگراف اول بند ۱۰۵ این قانون، رئیس‌جمهور امریکا مکلف شده بود حداکثر ظرف مدت ۹۰

روز اسامی مقام‌ها و افراد مسوول نقض جدی حقوق بشر پس از دهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری ایران را به کنگره گزارش و آن‌ها را در فهرست اشخاص مورد تحریم وزارت‌خانه‌های امور خارجه و دارایی امریکا قرار دهد (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۲: ۱۳).

پس از اینکه سنا نیز تصمیم به تصویب این قانون گرفت، دولت اواما با ارسال پیامی به کنگره نسبت به محتوا و زمان این لایحه ابراز نگرانی شدیدی کرد. در دسامبر ۲۰۰۹، معاون وزیر خارجه از هم‌حزبی‌های خود در سنا خواست تا به لایحه رأی ندهند. او به جان کری، رئیس کمیته روابط خارجی سنا نوشت که قانون ممکن است اتحاد بین‌المللی و حمایت برای کوشش‌های ما در مقابل موضوع هسته‌ای ایران را تضعیف نماید (نورمن، ۲۰۱۹). یکی از ایرادات دولت به این لایحه این بود که هیچ استثنایی در رابطه با کشورهایی که با دولت امریکا درباره عدم گسترش هسته‌ای همکاری می‌نمایند، قائل نشده و این موضوع ممکن است به روابط دیپلماتیک با این کشورها آسیب بزند. به همین دلیل، دولت در نهایت برخی از کشورها را از منع خرید نفت ایران استثنا کرد؛ اما با همه مخالفت‌های دولت، سنا نیز بدون رفع مواردی که دولت نسبت به آنها نگران بود، آن را به اتفاق آرا در ژانویه ۲۰۱۰ تصویب کرد (مرادی و دهشیار، ۱۳۹۶: ۱۱۰). در سال ۲۰۱۲، دو لایحه تحریمی دیگر درباره ایران تصویب شد: نخستین لایحه با نام قانون «کاهش تحریم ایران و حقوق بشر سوریه» تحریم‌های اعمال شده در سال ۱۹۹۶ را توسعه داده و طیف متنوعی از تحریم‌ها را علیه بخش‌های انرژی، مالی و کشتیرانی ایران انجام می‌داد. در این مورد، دولت همکاری بیشتری را برای شکل دادن به این قانون انجام داد و در ماه آگوست ۲۰۱۲، اواما آن را امضاء نمود. این قانون در دسامبر ۲۰۱۱ در مجلس نمایندگان و در ماه می به اتفاق آرا در سنا تصویب شد.

بلافاصله پس از انتخابات، منندز- کرک در نوامبر ۲۰۱۲، اصلاحیه‌ای را به قانون اختیارات دفاعی ۲۰۱۲ وارد کردند که با رأی ۹۴ به صفر در سنا تصویب شد. بر طبق این اصلاحیه، محدودیت‌های بیشتری بر تبادلات در بخش‌های انرژی، بندری، کشتیرانی و کشتی‌سازی ایران تحمیل می‌شد.

در سال ۲۰۱۳ نیز اقدامات سرسختانه کنگره در مقابل ایران ادامه یافت. در ابتدا، ۳۶ نفر از سناتورها در نامه‌ای به شورای اروپا در فوریه ۲۰۱۳، خواهان جلوگیری از دسترسی ایران به دارایی‌های خود در بانک‌های اروپایی شدند. سپس، در روزی که مذاکره بین ایران و قدرت‌های بزرگ در حال برگزاری بود، «اد رویس و انگل» لایحه قانون ۲۰۱۳ جلوگیری از ایران هسته‌ای را در ۲۷ فوریه ۲۰۱۳ ارائه دادند که لیست سیاه شرکت‌های ایرانی را گسترده‌تر کرده و دسترسی ایران به دارایی خود در بانک‌های خارجی را که به یورو بوده، محدود می‌کرد.

از دیگر اقدامات کنگره می‌توان به تحریم‌های بعد از برجام اشاره نمود که بازنگری هسته‌ای

ایران در سال ۲۰۱۵ و طرح محدودیت سفر به ایران از مهمترین آنها می‌باشند.

نکته آخر اینکه، طبق قوانین ایالات متحده، رئیس‌جمهور می‌تواند اجرای هر قانونی از کنگره را به مدت ۶ ماه به تاخیر بیندازد، اما آن چه توسط کنگره تصویب شده و قانونی مدون است، برای فسخ نیازمند تایید مجدد کنگره می‌باشد که بیشتر قوانین تاثیرگذار بر اقتصاد ایران، از این دست قوانین است که در ادامه، برخی از مهمترین قوانین از این دست را بیان می‌کنیم:

۱- قوانینی که تحت عنوان «اختیارات دفاع ملی» در سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ به تصویب رسیده است، بر بخش‌های مالی ایران محدودیت‌هایی را اعمال می‌کند؛ از جمله این که بانک‌های خارجی را تهدید می‌کند که در صورت خرید یا فروش «نفت یا فرآورده‌های نفتی» از یا به ایران، از ارتباط با سیستم مالی آمریکا محروم خواهند شد و از این رو، بر تراکنش‌های نفتی ایران و منبع درآمد جمهوری اسلامی بسیار تاثیرگذار است.

۲- قانون «منع گسترش تسلیحات هسته‌ای توسط ایران» و قانون «منع دستیابی ایران، کره شمالی و سوریه به تسلیحات کشتار جمعی» از جمله این موارد هستند.

۳- طبق بخش ۳۱۱ قانون میهن‌دوستی آمریکا، کشورهایی که به پول‌شویی متهم هستند، از تراکنش‌های مالی بین‌المللی محروم می‌شوند و ایران نیز جز کشورهایی است که در سال ۲۰۱۱ به پول‌شویی متهم شده است. این قانون به شدت ایران را در تراکنش‌های بین‌المللی محدود می‌کند.

۴- قانون کاهش تهدیدات ایران و قوانین حقوق بشری سوریه نیز یکی دیگر از قوانینی است که چون هدفش محدود کردن توانایی ایران در استفاده از درآمدهای نفتی حاضر در موسسات مالی خارجی و ممانعت از بازگرداندن آن درآمدها به ایران است، از سال ۲۰۱۲ تاثیر شگرفی بر اقتصاد ایران داشته است.

۵- کنگره آمریکا به دلیل وابستگی درآمدهای دولت ایران به درآمد فروش نفت و وابستگی اقتصاد ایران به واردات کالا و به‌طور خاص بنزین، در ادامه تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل، «قانون جامع تحریم‌ها، مسئولیت‌پذیری و محرومیت ایران»^۱ را تصویب کرد که با امضای اوباما در اول جولای ۲۰۱۰ اجرایی شد. بر اساس تنها بخشی از این قانون، شرکت‌هایی که بیش از ۲۰ میلیون دلار در بخش نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری کنند یا سالانه بیش از پنج میلیون دلار در سال بنزین به ایران بفروشند، از کمک بانک آمریکا برای صادرات، دریافت وام بیش از ۱۰ میلیون دلار در سال از موسسات آمریکایی، فروش کالا یا خدمات به دولت آمریکا، صادرات به آمریکا، معامله در مبادلات خارجی با افراد آمریکایی، ایجاد هرگونه حساب یا پرداخت با موسسات مالی آمریکایی و تحصیل، نگهداری و تجارت اموال مستقر در آمریکا محروم می‌شوند.

^۱. CISADA.

این قانون در راستای اعمال فشار به شرکت‌های خارجی برای رعایت تحریم‌ها و انزوای ایران در تعاملات بین‌المللی است و بر اقتصاد وابسته به نفت ایران، تاثیر بسیاری دارد.

۶- مجموعه‌ای از فرمان‌های اجرائی رییس‌جمهور نیز باید برای تعلیق یا لغو از کنگره مجوز بگیرد. این قوانین شامل فرمان اجرائی ۱۲۹۵۷، فرمان اجرائی ۱۲۹۵۹، فرمان اجرائی ۱۳۰۵۹، فرمان اجرائی ۱۳۵۹۰، فرمان اجرائی ۱۳۶۲۸ و فرمان اجرائی ۱۳۵۷۴ است که عمدتاً منع تراکنش اقتصادی بر ایران را دنبال می‌کنند و همگی بر اقتصاد ایران تاثیر گذار هستند.

۲- قوه مجریه

تحریم‌های آمریکا علیه ایران به دو صورت دستور اجرائی و قانون اعمال شده است. دستور اجرائی فرمانی است که رئیس‌جمهور آمریکا صادر می‌کند و حیطه عملیاتی آن کارکنان و مجموعه اجرائی تحت عملکرد رئیس‌جمهور است. به عبارت دیگر، این دستورات قانون نیست که شهروندان نیز موظف به اجرای آن باشند، بلکه محدود به حیطه اجرائی دولت است. بر اساس قانون اساسی آمریکا، دستورات اجرائی رئیس‌جمهور، حکم قانون را ندارد و تنها بخشی که حق قانونگذاری را داراست، کنگره است. نکته دیگر اینکه صدور دستور اجرائی منحصر به رئیس‌جمهور نیست و حاکمان هر ایالت نیز می‌توانند دستور اجرائی صادر کنند. در نظام حقوقی آمریکا، رییس‌جمهور از اختیارات تقنینی و قضایی مهمی برخوردار است. وی با استناد به قوانین مصوب کنگره، دستورهای اجرائی برحسب شرایط زمانی خاص صادر می‌کند که لازم‌الاجرا بوده و در صورت تامین اهداف، لغو می‌شود. با استناد به قانون وضعیت اضطراری بین‌المللی قدرت‌های اقتصادی و مقابله با تهدیدهای غیرعادی و فوق‌العاده علیه امنیت ملی، سیاست خارجی و اقتصاد ایالات متحده، فرامینی را صادر کرده‌اند که در حقوق اساسی آمریکا به دستورهای اجرائی معروف می‌باشند. تاکنون بیش از ۲۵ دستور اجرائی با موضوع تحریم‌های ایران از طرف رؤسای جمهور آمریکا صادر شده است که برابر جدول زیر به برخی از مهمترین این موارد اشاره خواهیم کرد.

لیست تحریم‌هایی که بر اساس دستور اجرایی رئیس‌جمهور امریکا علیه ایران وضع شده‌اند

ردیف	فرمان اجرایی دولت امریکا	سال	علت
۱	۱۲۱۷۰	۱۹۷۹	تروریسم
۲	۱۲۲۰۵	۱۹۸۰	حقوق بشر
۳	۱۲۲۱۱	۱۹۸۰	حقوق بشر
۴	۱۲۶۱۳	۱۹۸۷	تروریسم
۵	۱۲۹۵۷	۱۹۹۵	حقوق بشر
۶	۱۲۹۵۹	۱۹۹۵	حقوق بشر
۷	۱۳۰۵۹	۱۹۹۷	حقوق بشر
۸	۱۳۲۲۴	۲۰۰۱	تروریسم
۹	۱۳۳۸۲	۲۰۰۵	عدم اشاعه سلاح کشتار جمعی
۱۰	۱۳۵۵۳	۲۰۱۰	حقوق بشر
۱۱	۱۳۵۷۲	۲۰۱۱	حقوق بشر
۱۲	۱۳۵۷۴	۲۰۱۱	حقوق بشر
۱۳	۱۳۵۹۰	۲۰۱۱	عدم اشاعه سلاح کشتار جمعی
۱۴	۱۳۵۵۹	۲۰۱۲	حقوق بشر
۱۵	۱۳۶۰۶	۲۰۱۲	حقوق بشر
۱۶	۱۳۶۰۸	۲۰۱۲	حقوق بشر
۱۷	۱۳۶۲۲	۲۰۱۲	حقوق بشر
۱۸	۱۳۶۲۸	۲۰۱۲	عدم اشاعه سلاح کشتار جمعی - تروریسم
۱۹	۱۳۶۴۵	۲۰۱۳	عدم اشاعه سلاح کشتار جمعی
۲۰	۱۳۷۶۹	۲۰۱۷	تروریسم

جدول شماره ۲

از سال ۱۹۷۹ تاکنون، تمام روسای جمهوری ایالات متحده همه ساله ایران را «تهدیدی خارق‌العاده و غیرعادی» برای «امنیت ملی، سیاست خارجی یا اقتصاد» آمریکا خوانده و به این بهانه قانون «وضعیت اضطراری علیه تهران» را تمدید کرده‌اند. در مورد تبیین مهمترین فرمان‌هایی اجرایی ذکر شده در ارتباط با تحریم‌های تاثیرگذار بر اقتصاد ایران می‌توان به اختصار به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- فرمان اجرائی شماره ۱۲۱۹۰ که توسط جیمی کارتر صادر شد و تمام دارایی‌ها و منافع تحت مالکیت دولت ایران، تشکیلات وابسته و مجموعه‌های تحت کنترل آن و همین‌طور بانک مرکزی ایران که در قلمرو قضایی ایالات متحده قرار دارد یا در اختیار افراد تحت حوزه قضایی

ایالات متحده هستند یا قرار می‌گیرند را مسدود کرد.

۲- فرمان اجرائی شماره ۱۳۳۸۲ که در سال ۲۰۰۵ و توسط جرج دبلیو بوش امضا شد. طبق این قانون، معامله با افراد و نهادهایی که در صنعت هسته‌ای ایران نقش و فعالیت دارند، منع شده و اموال این افراد- نهادها در آمریکا مسدود می‌شود. در نتیجه، گرچه شاید لغو این قانون به توسعه صنعت هسته‌ای ایران کمک می‌کند، اما به طور کلی بر اقتصاد ایران تاثیر شگرفی ندارد.

۳- دومین مورد، فرمان اجرائی شماره ۱۳۶۲۲ است که بر اساس آن، تحریم‌هایی علیه شرکت‌های مرتبط با صنعت پتروشیمی ایران اعمال شد. این تحریم‌ها به بهانه قطع منابع مالی بخش پتروشیمی ایران که دومین منبع درآمد ایران به شمار می‌رود، اجرائی شده و وزارت امور خارجه آمریکا هر از گاهی برخی شرکت‌های پتروشیمی را به دلیل وارد شدن آگاهانه در معاملات عمده به منظور خرید یا دریافت محصولات پتروشیمی از ایران بر اساس این قانون تحریم می‌کند. طبیعی است که چون ایران هم‌چنان به منابع نفتی خود برای تامین سرمایه‌های اقتصادی خود نیازمند است، هر قانونی که صنایع پتروشیمی را هدف بگیرد، بر اقتصاد ایران بسیار تاثیر گذار است.

۴- یکی دیگر از تحریم‌های تاثیر گذار بر اقتصاد ایران، فرمان اجرائی شماره ۱۳۵۹۹ است که به طور مشخص تحریم بانک مرکزی ایران را هدف گرفته و مقرر می‌دارد که دارایی‌های آن در قلمرو آمریکا باید توقیف شود. قانون مزبور به دولت آمریکا این اختیار را می‌دهد که اگر تایید کند که بانک مرکزی ایران به تامین مالی تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی نمی‌پردازد یا سپاه پاسداران یا سایر اشخاص تحریم شده در دستورهای اجرایی ۱۳۲۲۴ و ۱۳۳۸۲ را حمایت مالی نمی‌کند، این تحریم را ملغی نماید. به عبارت دیگر، در این خصوص، دولت آمریکا نمی‌تواند تحریم را راساً ملغی نماید، اما این اختیار را دارد که در صورتی که امور مزبور را تایید کند، تحریم بانک مرکزی را لغو نماید.

۵- فرمان اجرائی شماره ۱۳۲۲۴ که به موجب آن، تراکنش‌های مالی با افرادی که از تروریسم حمایت می‌کنند، یا به انجام اقدامات تروریستی تهدید می‌نمایند و یا مرتکب این اقدامات می‌شوند، منع گردیده و دارایی‌های این افراد را نیز مسدود می‌کند.

۶- فرمان اجرائی شماره ۱۳۶۰۸ که بر حسب این دستور اوپاما، افراد غیرآمریکایی که تحریم‌های ایران و سوریه را نقض کرده‌اند، از ورود به خاک ایالات متحده محرومند و انجام برخی تراکنش‌ها با این گروه ممنوع است نیز جز قوانینی است که شاید دولت آمریکا پس از توافق هسته‌ای لغو نماید؛ گرچه بر اساس ارزیابی گروه بحران، این تحریم‌ها نتوانسته بر اقتصاد ایران تاثیر شگرفی داشته باشد، اما علی‌الظاهر در تسهیل تعاملات بین‌المللی موثر خواهد بود.

از دیگر نهادهای زیرمجموعه قوه مجریه که در راستای تحریم کشورهای دیگر اختیاراتی دارند، می‌توان به وزارت خزانه‌داری آمریکا، وزارت امور خارجه و موسسه اوفک اشاره نمود که

در ادامه، به تفکیک اختیارات و فرایند اعمال تحریم توسط این نهادهای را مطالعه می‌کنیم.

۲-۱. وزارت خزانه‌داری امریکا

این وزارت‌خانه امور مالی دولت فدرال ایالات متحده آمریکا را از طریق جمع‌آوری مالیات‌ها، پرداخت هزینه‌ها، مدیریت امور پولی همچون انتشار اوراق قرضه، سکه و اسکناس و مدیریت حساب‌های بانکی دولت و بدهی‌های عمومی را بر عهده دارد. وزارت خزانه‌داری آمریکا برای انجام وظایف خود در زمینه مسائل مالی با سازمان‌های فدرال آمریکا، دولت‌های خارجی و نهادهای مالی بین‌المللی همکاری می‌کند؛ که در این میان، تعامل بوروکراتیک و همکاری سازمانی با وزارت خارجه نیز بسیار چشم‌گیر و سازنده می‌باشد. خزانه‌داری همچنین یک نقش مهم و حیاتی برای تقویت امنیت ملی آمریکا از طریق اعمال تحریم‌های مختلف علیه سایر کشورها را بر عهده دارد. وزارت خزانه‌داری آمریکا را می‌توان بخشی از ساختار قدرت ایالات متحده دانست که کنترل فضای مالی، بانکی و پولی تمامی کشورهای جهان را به انجام می‌رساند. موضوع اصلی فعالیت‌های وزارت خزانه‌داری را می‌توان کنترل بازیگرانی همچون جمهوری اسلامی ایران دانست که فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و راهبردی آنان در داخل یا خارج از کشور می‌تواند بر امنیت و قدرت ایالات متحده تأثیرگذار باشد و برای این کشور از اهمیت بالایی برخوردار است. وزارت خزانه‌داری آمریکا تلاش گسترده‌ای برای اعمال محدودیت‌های اقتصادی و تکنولوژیک علیه ایران بکار برده است و این اقدامات که بر اساس مصوبات کنگره انجام می‌شود، هر یک محدودیت‌های اقتصادی قابل‌توجهی را علیه ایران تحمیل می‌کند. در واقع، تیم متخصصین مشغول در خزانه‌داری بعنوان کارگزاران راهبردی آمریکا درصدد افزایش محدودیت‌های اقتصادی جدیدی علیه ایران هستند که چنین نتیجه‌ای را می‌توان به‌عنوان بخشی از فرآیندهای استراتژیک ایالات متحده برای کنترل قدرت اقتصادی ایران دانست.

هرگاه رئیس‌جمهور آمریکا تصمیم می‌گیرد شخص، نهاد یا کشوری را تحریم کند، باید سری به دفتر کنترل دارایی‌های خارجی و رئیس کنونی آن «سیگال مندلکر» بزند. این دفتر که سال ۱۹۵۰ تأسیس شد، پس از به اوج رسیدن تحریم‌های ضدایرانی در دولت اوپاما، جان تازه‌ای گرفت و اکنون به موجب اختیارات اضطراری رئیس‌جمهور آمریکا، اختیار و وظیفه دارد تا در راستای درخواست یا دستور سایر مقامات یا نهادهای آمریکایی، افراد، گروه‌ها و دولت‌های خارجی را در فهرست تحریم قرار دهد و تحریم‌های وضع شده را تا مرحله اجرا و جریمه ناقضان آن‌ها پی‌گیری نماید.

روش‌های اعمال و تحمیل تحریم‌ها بگونه‌ایست که وزارت خزانه‌داری ساختار تحریم‌های

بانکی و غیربانکی را ایجاد نموده و به واسطه این ساختار، تحریم‌های اقتصادی را اعمال می‌کند. از آخرین اقدامات این وزارت‌خانه می‌توان به بعد از خروج آمریکا از برجام توسط دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در تاریخ ۸ می ۲۰۱۸ (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷)، اشاره کرد. بر این اساس، وزارت خزانه‌داری آمریکا نیز با صدور دستورالعملی بازگشت تحریم‌ها را در دو مقطع ۹۰ روزه (همه تحریم‌ها به جز نفت) و ۱۸۰ روزه (تحریم خرید نفت ایران) را تصریح کرد. این وزارت‌خانه مهم‌ترین و فعال‌ترین نهاد اجرای تحریم‌ها است. در این وزارت‌خانه، سه بخش مسئولیت اجرای تحریم‌ها را دارند که به شرح ذیل آمده است:

۱- اداره‌ی کنترل دارایی‌های خارجی یا افک نقش اصلی را در اداره و اجرای تحریم‌ها ایفا می‌کند. افک مسئولیت اداره و اجرای برنامه‌های تحریم اقتصادی و تجاری را منطبق بر اهداف سیاست خارجی و امنیت ملی آمریکا علیه کشورها و دولت‌های خارجی، قاچاقچیان بین‌المللی مواد مخدر، افرادی که در فعالیت‌های مربوط به گسترش سلاح‌های کشتار جمعی مشارکت دارند و سایر تهدیدات علیه امنیت ملی، سیاست خارجی یا اقتصاد ایالات متحده اعمال می‌کند. قبل از تأسیس این اداره، اداره‌ای با نام اداره‌ی کنترل بودجه خارجی در آغاز جنگ جهانی دوم در وزارت خزانه‌داری تأسیس شد و اداره‌ی کنترل دارایی‌های خارجی در سال ۱۹۵۰ به دستور ترومن جهت بلوکه کردن کل دارایی‌های چین و کره شمالی به‌طور رسمی آغاز به کار کرد.

در سال ۱۹۷۷ قانونی به نام «International Emergency Economic Powers Act» در کنگره تصویب شد که منبع اصلی قدرت افک است. طبق این قانون، رئیس‌جمهور اجازه دارد منبع خارجی را به عنوان «تهدید غیرمعمول و فوق‌العاده برای امنیت ملی، سیاست خارجی و یا اقتصاد ایالات متحده» معرفی کند. این قانون نقض تحریم و یا تلاش برای نقض آن را جرم محسوب می‌کند و افک با همکاری وزارت خارجه برای انجام معاملات در کشورهای مورد تحریم مجوز صادر می‌کند. برای شناسایی موارد نقض تحریم، افک به نهادهای تنظیم‌کننده‌ی عملکرد مؤسسات مالی شامل اداره‌ی حسابرسی ارزی، شرکت بیمه سپرده فدرال، فدرال ریزرو و اداره تنظیم مقررات مالی اتکا می‌کند.

۲- شبکه‌ی اجرایی جرائم مالی یا «فین سن» نام اداره‌ی دیگری در وزارت خزانه‌داری است. این اداره همچنین انطباق با قانون گزارش معاملات خارجی و ارزی سال ۱۹۷۰ معروف به قانون اسرار بانکی را اداره و اجرا می‌کند. از آنجا که منبع اصلی قدرت این اداره قانون اسرار بانکی است که مستقیماً تحریم‌ها را اجرا و مدیریت نمی‌کند، اقدامات اجرایی فین سن نیز شامل موارد نقض تحریم به‌طور مستقیم نمی‌شود و اغلب مربوط به نقض موارد ضد پول‌شویی می‌شود. فین سن اقداماتی ویژه را بر مؤسسات مالی، کشورها یا حوزه‌های قضایی در صورت تشخیص آن‌ها به عنوان «نگرانی اولیه‌ی پول‌شویی» اعمال می‌کند. این اقدامات ویژه، افتتاح و یا کارکرد حساب‌های

این مؤسسات مالی را ممنوع و یا محدود می‌کند. این اداره اقدام به انتشار توصیه‌نامه جهت شناسایی بهتر و گزارش معاملات غیرقانونی مالی می‌کند که آخرین توصیه‌نامه صادرشده‌ی فین سن درباره‌ی فعالیت‌های مالی غیرقانونی ایران در ۱۱ اکتبر ۲۰۱۸ منتشر شد.

۳- سرویس درآمد داخلی نیز چندین بخش دارد که نقش غیرمستقیم در اجرا و رعایت تحریم‌ها ایفا می‌کند. بخش تحقیقات جنایی نقض قوانین مالیاتی ایالات متحده و جرائم مالی مرتبط با آن، مانند پول‌شویی، را مورد بررسی قرار می‌دهد. بخش تحقیقات جنایی با سایر سازمان‌های ایالات متحده از جمله اف‌ک جت شناسایی تروریست‌ها و شبکه‌های جمع‌آوری کمک‌های مالی آن‌ها و گنجاندن آن‌ها در برنامه‌ی تحریم‌های مقابله با تروریسم همکاری می‌کند.

۲-۲. وزارت امور خارجه

وزارت خارجه آمریکا به عنوان یکی از مهمترین نهادهای قوه مجریه ایالات متحده و شورای امنیت ملی این کشور در کنار وزارت خزانه‌داری قرار دارند که بر مبنای مدل همکاری بوروکراتیک سازمانی علیرغم همه رقابت‌های درون‌سازمانی از یک هماهنگی و تعامل ویژه‌ای در اجرای سیاست‌های خارجی و امنیتی برخوردار می‌باشند. بر این مبنای، تمامی قدرت دیپلماسی دستگاه سیاست خارجی آمریکا به همکاری خزانه‌داری می‌آید تا خواست آن را با دیپلماسی و مذاکره اجرا نماید و خزانه‌داری نیز بر مبنای تعامل ساختاری بوروکراتیک تلاش دارد تا اهرم اجرایی تمام سیاست‌های اعلامی دستگاه سیاست خارجی باشد. از مهمترین اقدامات و اختیارات وزارت امور خارجه امریکا در ارتباط با تحریم‌های دیگر کشورها از جمله ایران می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

اداره‌ی تحریم و مقابله با تهدید مالی ایجاد، اصلاح و خاتمه‌ی رژیم تحریم را علیه کشورهایمانند ایران، سوریه و میانمار هماهنگ می‌کند و استراتژی اجرایی رژیم‌های خاص تحریم را توسعه می‌دهد. این دفتر همچنین راهنمایی سیاست خارجی به اف‌ک جت و اداره‌ی صنعت و امنیت وزارت بازرگانی در زمینه‌ی تجارت، صادرات و واردات می‌دهد. اداره‌ی تحریم و مقابله با تهدید مالی دو دفتر به نام‌های دفتر اجرا و سیاست‌گذاری تحریم‌های اقتصادی و دفتر اقدامات مقابله با تهدیدهای مالی دارد. اداره‌ی سیاست‌گذاری تحریم‌های اقتصادی مسئول توسعه و اجرای تحریم‌های مرتبط با سیاست خارجی برای مقابله با تهدیدهای کشورها و فعالیت‌های خاص علیه امنیت ملی آمریکا است. از جمله وظایف این اداره عبارت‌اند از: ایجاد حمایت بین‌المللی برای اجرای تحریم‌های اقتصادی، دادن راهنمایی در حوزه سیاست خارجی به وزارت‌های خزانه‌داری و بازرگانی در اجرای تحریم‌ها و همکاری با کنگره در تهیه قوانین لازم برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی

آمریکا در حوزه‌ی تحریم‌های اقتصادی. اداره‌ی مقابله با تهدیدهای مالی نیز مسئولیت سیاست‌گذاری در زمینه‌ی کاهش بودجه‌ی گروه‌هایی را دارد که تهدیدی برای امنیت داخلی، بین‌المللی و منطقه‌ای محسوب می‌شوند.

اداره‌ی کنترل تجارت دفاعی همانند اداره‌ی صنعت و امنیت وزارت بازرگانی، صادرات آمریکا مخصوصاً صادرات صنعت دفاعی و صادرات‌هایی را که موجب نقض قوانین جهانی تحریم می‌شود، نظارت و تنظیم می‌کند. این اداره دادوستد تسلیحات در سطح بین‌الملل را مدیریت و تنظیم می‌کند. وزارت خارجه همچنین بر اساس دستور اجرایی ۱۳۲۲۴ رئیس‌جمهور، افراد و نهادهای خارجی را که مرتکب اقدامات تروریستی شده و یا خطر مهم تروریستی علیه امنیت ملی، سیاست خارجی و اقتصاد آمریکا به شمار می‌آیند، مشخص می‌کند. این افراد و نهادها در فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی قرار می‌گیرند که از دسامبر ۲۰۱۵ تا کنون ۵۸ سازمان و گروه در این فهرست قرار گرفته‌اند. وزارت خارجه همچنین فهرست دیگری به نام تروریست‌های جهانی را منتشر می‌کند. گروه‌های تروریستی شامل افراد عضو سازمان‌های تروریستی، سرمایه‌گذاران و شرکت‌های صوری نیز در این فهرست قرار می‌گیرند. از دسامبر ۲۰۱۵ تا کنون حدوداً ۹۷۶ فرد و نهاد در این لیست قرار گرفته‌اند. اموال این افراد و نهادها در ایالت متحده بلوکه می‌شود و افراد آمریکایی از انجام هرگونه معاملات با آنها منع می‌شوند. وزارت خزانه‌داری نیز فهرست تروریست‌های جهانی را دارد و این دو وزارت‌خانه با هماهنگی وزارت دادگستری این فهرست‌ها را منتشر می‌کنند. فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی و تروریست‌های جهانی در فهرستی که افاک منتشر می‌کند، به نام «ملیت‌های ویژه‌ی تعیین شده» قرار می‌گیرند. افاک همچنین گزارشی سالیانه از دارایی‌های بلوکه شده‌ی تروریست‌ها را که در آن جزئیات میزان دارایی‌های مربوط به سازمان‌های تروریستی بین‌المللی یا دولت‌های حامی تروریسم ذکر شده‌اند، تقدیم‌کننده می‌کند.

وزارت خارجه همچنین با هماهنگی وزارت دادگستری لیست اخراج تروریست‌ها را منتشر می‌کند و محدودیت‌های مهاجرتی را برای سازمان‌های تروریستی ایجاد می‌کند. افرادی که از سازمان‌های تروریستی این فهرست حمایت کنند و یا با آنها مرتبط باشند، از ورود به آمریکا منع می‌شوند و چنانچه در آمریکا باشند، ممکن است اخراج شوند.

علاوه بر تحریم‌های مرتبط با تروریسم، وزارت خارجه در تعیین افراد و نهادها در فهرست تحریم‌های نقض حقوق بشر نیز نقش دارد. افاک با همکاری وزارت خارجه و بر اساس گزارش‌های نقض حقوق بشر منتشر شده توسط وزارت خارجه درباره‌ی کشورهایمانند کره شمالی و ایران، افراد و نهادها را در فهرست تحریمی خود قرار می‌دهد.

۲-۳. اداره نظارت بر اموال بیگانگان

شاید بتوان مهم‌ترین نوع تحریم‌های یک‌جانبه امریکا در سالیان اخیر را تحریم‌های اوفک دانست. اوفک^۱ (OFAC) دفتر نظارت بر اموال خارجی زیرمجموعه وزارت خزانه‌داری (دارایی) ایالات متحده آمریکا است. این دفتر بر اساس اهداف و سیاست‌های خارجی ایالات متحده علیه دولت‌ها، سازمان‌ها و افراد غیر آمریکایی تحریم‌های اقتصادی و بازرگانی اعمال می‌کند. این دفتر در واقع یک آژانس اجرایی و اطلاعاتی مالی است که وظیفه آن برنامه‌ریزی و اجرای تحریم‌های اقتصادی و تجاری در حمایت از اهداف امنیت ملی و سیاست خارجی آمریکا است. اوفک تحت اختیارات ریاست جمهوری و در شرایط اضطراری، اقدامات خود را علیه دولت‌های خارجی و همین‌طور برخی سازمان‌ها و افراد هم‌چون گروه‌های تروریستی که تهدیدی برای امنیت ملی آمریکا محسوب می‌شوند، اجرایی می‌کند.

همانطور که بیان شد، وضع تحریم‌های بین‌المللی در ایالات متحده توسط دو نهاد ریاست جمهوری و کنگره صورت می‌پذیرد. تحریم‌های اوفک نیز، از نوع تحریم‌های وضع شده توسط رئیس‌جمهور است. تحریم اوفک به نام اداره صادرکننده آنها که زیرمجموعه وزارت خزانه‌داری آمریکا است، مسئول نظارت بر تحریم‌های وضع شده دولت آمریکا با هدف مبارزه با تروریسم، نقض حقوق بشر، تجارت مواد مخدر، سلاح‌های کشتار جمعی و صدور مجوز برای تجارت با دولت‌ها و اشخاص تحریم شده است (کازرونی، ۱۳۹۲: ۴۹).

تحریم‌های اوفک مسبق به سابقه بوده و ریشه آن به پس از آغاز جنگ جهانی دوم می‌رسد که با تهاجم آلمان به نروژ در سال ۱۹۴۰ میلادی، در وزارت خزانه‌داری ایالت متحده اداره‌ای موسوف به اوفک به وجود آمد که هدف اولیه از تشکیل آن، جلوگیری از تبادلات پولی آلمان در مناطق اشغالی و استفاده از اموال شهروندان آن کشورها برای معاملات مالی آلمان بود.

در ارتباط با تحریم‌های ایران توسط این دفتر باید بیان داشت که در مجموع تحریم‌های اوفک به دو دسته فراگیر و هدفمند (تحریم‌های علیه دولت‌های خاص و علیه اشخاص خاص) تقسیم می‌شوند. تفاوت این دو دسته از تحریم‌ها در این است که در تحریم‌های فراگیر، هر نوع تجارت و انعقاد هر نوع معامله و مبادله تجاری با یک دولت و اتباع آن اعم از حقیقی یا حقوقی، ممنوع است، در حالی که در تحریم‌های هدفمند تنها انعقاد برخی از معاملات تجاری و انواع تجارت با یک دولت خاص منع می‌شود (کازرونی، ۱۳۹۲: ۵۱). بر اساس تحریم اوفک، «ارسال همه یا برخی از کالاها، خدمات و فناوری‌ها از طریق خاک آمریکا یا کشور ثالث به مقصد کشورهای مورد تحریم اوفک توسط هر شخص امریکایی اعم از اتباع حقیقی یا حقوقی یا مقیم یا

^۱. Office of Foreign Assets Control.

زیرمجموعه‌های شرکت‌های خارجی فعال در خاک آمریکا و نیز شرکت‌های فعال آمریکایی در خارج از آمریکا، ممنوع است».

برخلاف بسیاری از سازمان‌های نظارتی، اوفک الزامات اجرایی رسمی را تحمیل نمی‌کند. در عوض، نظارت آن را به یک سازمان سخت‌گیر می‌دهد. حتی موارد نقض غیرعمدی تحریم، تحت قانون مجازات می‌شوند؛ صرف نظر از زمان یا منابع شرکت که صرف تطابق با قوانین شده است. البته، شرکت‌هایی که از برنامه‌ای قوی برای تطابق با تحریم‌ها پیروی می‌کنند، شانس بیشتری برای متقاعد کردن اوفک دارند.

رای کمک به شرکت‌ها در ایجاد برنامه‌های تطبیق با تحریم‌ها، اوفک انواع اظهارات سیاسی، سوالات متداول، بروشورها، مشاوره‌ها و مطبوعات را منتشر می‌کند. اوفک همچنین پیشنهادهایی برای سهام‌داران در صنایع خاص ارائه می‌دهد.

برای مثال، اوفک به شرکت‌هایی که در تجارت آنلاین مشغول به کار هستند، توصیه می‌کند تا یک برنامه‌ی مناسب تطابق مبتنی بر ریسک ایجاد کنند که نرم‌افزارهای تحت تحریم را غربال کند. به همین ترتیب، توصیه می‌کند که IP فرستندگان پول از حوزه‌های تصویب شده بلاک، اطلاعات مشتری را جمع‌آوری و «هدف پرداخت» برای هر معامله ثبت شود.

۳. دیوان عالی فدرال ایالات متحده آمریکا

از دیگر نهادهایی که در سال‌های اخیر در راستای تحریم‌های اعمالی علیه ایران اقدام به بلوکه، ضبط و مصادره اموال اشخاص حقیقی و حقوقی ایران نموده است، دادگاه‌های این کشور در فدرال‌های مختلف آن است. اختیارات این دادگاه‌ها پشتوانه قانونی داشته و بعد از تصویب قوانین و در جهت اجرایی نمودن قضایی آنها اعمال می‌شود.

بر اساس قانون مصونیت دولت‌های خارجی (مصوب ۱۹۷۶)، اشخاص آمریکایی آسیب‌دیده از حملات تروریستی در هر جای دنیا و یا بازماندگان آنها می‌توانند در محاکم آمریکا علیه دولت‌هایی که حامی عملیات تروریستی هستند، شکایت کنند. وزارت خارجه آمریکا فهرست دولت‌های حامی تروریسم را مشخص می‌کند. جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۹۸۴ در فهرست دولت‌های حامی تروریسم ایالات متحده آمریکا قرار گرفته است. از این رو، از سال ۱۹۹۶ به این سو و با وضع اصلاحیه مزبور، دعاوی متعددی توسط اشخاصی که در کشورهای مختلف، از عملیات نیروهای جهادی نظیر حماس و حزب‌الله آسیب‌دیده بودند یا بازماندگان آنها علیه جمهوری اسلامی ایران، مطرح شد.

دولت ایران معتقد بود که بر اساس اصل برابری حاکمیت‌ها و مصونیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل، محاکم داخلی یک دولت نباید مجاز باشند به دعاوی مطروحه علیه دولت‌های خارجی

رسیدگی کنند؛ لذا سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال این گونه دعاوی، به رسمیت نشناختن این رویه و عدم شرکت در محاکم بود. لیکن، دادگاه‌های آمریکا علیرغم عدم حضور خواننده (که در اغلب موارد، دولت ایران و نهادهایی همچون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود) به صرف ادعای خواهان‌ها به پرداخت غرامت به اشخاص و نهادهای آمریکایی حکم دادند. مجموع اقدامات دادگاه‌های آمریکا در تعرض به اموال ایران در راستای تحریم‌های اعمالی این کشور را می‌توان به اختصار شامل موارد ذیل دانست:

در سال ۱۳۷۵ (۱۹۹۶)، کنگره آمریکا با نقض قاعده مسلم مصونیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل و قوانین داخلی آمریکا، با تغییر قانون داخلی مصونیت دولت‌ها (FSIA)^۱، به اتباع ایالات متحده که در عملیات تروریستی خسارت دیده‌اند، اجازه داد در دادگاه‌های آمریکا علیه کشورهایی که در فهرست «دولت‌های حامی تروریسم» قرار دارند، اقامه دعوا و ادعای خسارت نمایند.

در همان سال (۱۹۹۶)، کنگره آمریکا با تصویب تبصره فلاتو^۲ به دادگاه‌های آمریکا اجازه داد برای به اصطلاح «قربانیان تروریسم» مبالغ هنگفتی معادل ده‌ها برابر خسارات وارده به عنوان «خسارات تنبیهی» علیه «کشور حامی تروریسم» تعیین کنند.

بر اساس دو مصوبه فوق، که هر دو مخالف مبانی شناخته شده حقوق بین‌الملل است، دادگاه‌های آمریکا احکامی به ارزش میلیاردها دلار علیه جمهوری اسلامی ایران (و برخی دولت‌های دیگر فهرست به اصطلاح حامیان تروریسم) و به نفع مدعیان خسارت در اقدامی در لبنان و فلسطین اشغالی صرفاً بر اساس ادعاهای سیاسی و بدون آنکه هیچگونه سند و مدرکی دال بر دخالت ایران ثابت شود، صادر کردند.

در تاریخ ۹ خرداد ۱۳۸۲ (۳۰ می ۲۰۰۳) به موجب یکی از احکامی که در این قالب و بدون هیچ مبنای حقوقی و واقعی علیه جمهوری اسلامی ایران صادر شد، دادگاه واشنگتن دی سی به بهانه واهی شکایت خانواده‌های ۲۴۱ نظامی کشته شده در انفجار مقر تفنگداران آمریکایی در بیروت در سال ۱۳۶۲ (۱۹۸۳م)، به ناروا جمهوری اسلامی ایران را مسئول شمرد.

در تاریخ ۱۶ شهریور ۱۳۸۶ (۷ سپتامبر ۲۰۰۷)، همان دادگاه در حکم ناروای دیگری، ایران را به پرداخت ۲/۶ میلیارد دلار به عنوان غرامت به بیش از هزار نفر از اعضای خانواده کشته‌شدگان حوادث تروریستی محکوم کرد، که «پرونده پترسون» نامیده می‌شود و مبنای ضبط غیرقانونی اوراق قرضه بانک مرکزی به ارزش حدود ۱/۷۵ میلیارد دلار قرار گرفته است.

^۱ . Foreign Sovereign Immunities Act.

^۲ . Flatow Amendment.

در تاریخ دی ماه ۱۳۸۶ (ژانویه ۲۰۰۸)، کنگره آمریکا در تداوم رویکرد خصمانه علیه ملت ایران و در قالب قانون بودجه نظامی سال ۲۰۰۸، بار دیگر قانون مصونیت دولت‌ها (FSIA) را اصلاح نمود. بر اساس این اصلاحیه، اجازه ضبط اموال دولت‌های به اصطلاح «حامی تروریسم» در اجرای احکام دادگاه‌های آمریکایی داده شده است. این مصوبه، که نه تنها مخالف قوانین آمره حقوق بین‌الملل است، بلکه موازین قانون اساسی آمریکا در مورد تفکیک قوا را نیز نقض می‌کند، امکان اقدام تجاوزکارانه در اجرای احکام غیرقانونی دادگاه‌های آمریکا برای دستبرد به اموال جمهوری اسلامی ایران را فراهم کرد.

در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۸۷ (۱۲ ژوئن ۲۰۰۸)، دادگاه فدرال آمریکا شعبه جنوب نیویورک دستور دستبرد و مصادره اوراق قرضه مربوط به بانک مرکزی را در اجرای حکم خسارت ۲/۶ میلیارد دلاری در پرونده پترسون صادر نمود.

در تاریخ ۶ آبان ۱۳۸۷ (۲۷ اکتبر ۲۰۰۸)، همین دادگاه دستور مصادره اوراق قرضه به مبلغ ۷۵/۱ میلیارد دلار را که نزد شرکت لوکزامبورگی «کلیراستریم» در حساب بانکی آن شرکت در سیتی بانک نیویورک بود صادر کرد. در سال ۲۰۰۸ میلادی، آرای متعدد اجرایی دیگری نیز برای توقیف و ضبط همین اوراق قرضه از سوی شعبه جنوب نیویورک دادگاه فدرال آمریکا صادر شد. در تاریخ ۲ تیر ۱۳۸۸ (۲۳ ژوئن ۲۰۰۹)، قاضی دیگری در دادگاه فدرال آمریکا شعبه جنوب نیویورک نسبت به ارتباط حساب نزد سیتی بانک و شرکت کلیراستریم با بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تشکیک نمود و ضمن تایید ادامه توقیف مبلغ ۱/۷۵ میلیون دلار، خواستار ارائه ادله اطراف دعوا شد که این مراحل برای مدتی ادامه داشت.

در تاریخ ۱۰ اسفند ۱۳۹۱ (۲۸ فوریه ۲۰۱۳)، دادگاه فدرال آمریکا شعبه جنوب نیویورک با استفاده از قانون جدید و با تکیه بر تصمیمات قبلی خود، استدلال‌های مربوط به مغایرت حکم قبلی با قوانین بین‌المللی و داخلی آمریکا را رد نمود و حکم بی‌پایه قبلی خود به نفع شاکیان را ابرام کرد. در ۱۸ تیر ۱۳۹۳ (۹ ژوئیه ۲۰۱۴)، دادگاه تجدیدنظر دادگاه فدرال آمریکا شعبه جنوب نیویورک رأی قبلی را تأیید نمود.

در تاریخ اول اردیبهشت ۹۵ (۲۰ آوریل ۲۰۱۶)، دیوان عالی آمریکا، ایراد قانون اساسی و کلای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در مورد تعیین مصداق توسط کنگره را وارد ندانست و رأی‌های قبلی را تأیید کرد.

همچنین مهمترین آرای محاکم آمریکا که علیه اموال بانک مرکزی ایران توسط قضات دادگاه‌های این کشور صادر شده، در جدول زیر آمده‌اند که نشان‌دهنده اختیاراتی است که قوه قضائیه این کشور بوسیله محاکم خود در اجرای قوانین مصوب کنگره در باب تحریم‌های اعمالی علیه ایران اعمال می‌کند.

آرای محاکم امریکا علیه اموال بانک مرکزی ایران

ردیف	تاریخ	دادگاه	رای صادره
۱	۱۳۸۲	واشنگتن	مسئولیت ایران در حمله به مقر تفنگداران
۲	۱۳۸۶	واشنگتن	محکومیت ایران به پرداخت ۶/۲ میلیارد دلار
۳	۱۳۸۷	فدرال نیویورک	حکم صادره اوراق قرضه بانک مرکزی به ارزش ۲ میلیارد دلار
۴	۱۳۸۷	فدرال نیویورک	دستور به سیتی بانک نیویورک جهت ضبط ۷۵/۱ میلیارد دلار اوراق قرضه بانک مرکزی
۵	۱۳۸۸	فدرال نیویورک	دستور به ادامه ضبط اوراق قرضه
۶	۱۳۹۱	فدرال نیویورک	تائید حکم ضبط ۷۵/۱ میلیارد دلار اوراق قرضه بانک مرکزی
۷	۱۳۹۳	تجدیدنظر فدرال نیویورک	تائید مجدد حکم ضبط
۸	۱۳۹۵	دیوان عالی کشور	رد ایراد قانون اساسی و تائید حکم دادگاه تجدیدنظر

جدول شماره ۳

نتیجه‌گیری

اولین مرجع برای اعمال تحریم‌های یک‌جانبه امریکا علیه ایران، کنگره امریکاست که با عنایت به مجموع قوانین تصویب شده پیرامون تحریم ایران مشخص می‌شود که کنگره کوشش کرده تا سیاست‌های خود در قبال ایران را به صورت تصویب قوانینی مطرح کند که قابل تسری به کل جهان بوده و سایر کشورها نیز ملزم به پیروی از آن باشند. از زمان کلیتوتون، کنگره وارد موضوع ایران شد و دولت این کشور را وادار کرد تا از طرح‌های کنگره در قبال ایران پیروی نماید. پس از این زمان، میزان پیروی دولت از کنگره در قبال ایران بیشتر شده و حتی در برخی موارد مثل موضوع هسته‌ای ایران، دولت به بازوی اجرایی سیاست‌های کنگره در مقابل ایران تبدیل می‌گردد. علاوه بر کنگره، قوه مجریه امریکا نیز در اعمال تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران دارای نقش بوده است. در نظام حقوقی امریکا، رییس‌جمهور از اختیارات تقنینی و قضایی مهمی برخوردار است. وی با استناد به قوانین مصوب کنگره، دستورهای اجرایی برحسب شرایط زمانی خاص صادر می‌کند که لازم‌الاجرا بوده و در صورت تامین اهداف لغو می‌شود. با استناد به قانون وضعیت اضطراری بین‌المللی قدرت‌های اقتصادی و مقابله با تهدیدهای غیرعادی و فوق‌العاده علیه امنیت ملی، سیاست خارجی و اقتصاد ایالات متحده فرامینی را صادر کرده‌اند که در حقوق اساسی امریکا به دستورهای اجرایی معروف می‌باشند. تاکنون بیش از ۲۵ دستور اجرایی با موضوع تحریم‌های ایران از طرف رؤسای جمهور امریکا صادر شده است. علاوه بر رئیس‌جمهور،

وزارت خزانهداری آمریکا نیز دارای اختیارات و وظایفی پیرامون تحریم‌های علیه ایران است. وزارت خزانهداری آمریکا تلاش گسترده‌ای برای اعمال محدودیت‌های اقتصادی و تکنولوژیک علیه ایران بکار برده است و این اقدامات که بر اساس مصوبات کنگره انجام می‌شود، هر یک محدودیت‌های اقتصادی قابل توجهی را علیه ایران تحمیل می‌کند. در واقع، تیم متخصصین مشغول در خزانهداری بعنوان کارگزاران راهبردی آمریکا در صدد افزایش محدودیت‌های اقتصادی جدیدی علیه ایران هستند که چنین نتیجه‌ای را می‌توان به‌عنوان بخشی از فرآیندهای استراتژیک ایالات متحده برای کنترل قدرت اقتصادی ایران دانست. همانطور که بیان شد، در کنار رئیس‌جمهور و وزارت خزانهداری در قوه مجریه، وزارت خارجه و موسسه اوفک نیز در این قوه در اعمال تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران نقش داشته‌اند. علاوه بر تحریم‌های مرتبط با تروریسم، وزارت خارجه در تعیین افراد و نهادها در فهرست تحریم‌های نقض حقوق بشر نیز نقش دارد. اوفک با همکاری وزارت خارجه و بر اساس گزارش‌های نقض حقوق بشر منتشر شده توسط وزارت خارجه درباره‌ی کشورهایمانند کره شمالی و ایران، افراد و نهادها را در فهرست تحریمی خود قرار می‌دهد. اوفک تحت اختیارات ریاست جمهوری و در شرایط اضطراری، اقدامات خود را علیه دولت‌های خارجی و همین‌طور برخی سازمان‌ها و افراد هم‌چون گروه‌های تروریستی که تهدیدی برای امنیت ملی آمریکا محسوب می‌شوند، اجرایی می‌کند.

از دیگر نهادهایی که در سال‌های اخیر در راستای تحریم‌های اعمالی علیه ایران اقدام به بلوکه، ضبط و مصادره اموال اشخاص حقیقی و حقوقی ایران نموده است، دادگاه‌های این کشور در فدرال‌های مختلف آن است. اختیارات این دادگاه‌ها پشتوانه قانونی داشته و بعد از تصویب قوانین و در جهت اجرایی نمودن قضایی آنها اعمال می‌شود. بر اساس قانون مصونیت دولت‌های خارجی (مصوب ۱۹۷۶)، اشخاص آمریکایی آسیب‌دیده از حملات تروریستی در هر جای دنیا و یا بازماندگان آنها می‌توانند در محاکم آمریکا علیه دولت‌هایی که حامی عملیات تروریستی هستند، شکایت کنند.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

منابع

- ابراهیمی، سی نصراله و شادی اویارحسین (۱۳۹۱). آثار تحریم بر اجرای قراردادهای بازرگانی بین‌المللی از منظر فورس ماژور، دو فصلنامه علمی- پژوهشی دانش حقوق مدنی، شماره ۲.
- احمدی‌نژاد، مریم (۱۳۹۱). منشور ملل متحد به مثابه قانون اساسی، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۶، شماره ۳.
- بهروزی‌فر، مرتضی (۱۳۸۳). اثر تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا بر اقتصاد بازرگانی ایالات متحده و بازارهای جهانی انرژی، فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی، شماره ۳۳.
- جمعی از پژوهشگران (۱۳۹۲). روایتی کوتاه از تحریم، انتشارات اندیشکده راهبردی تبیین.
- خوش‌ضمیر، نیکی (۲۰۱۲). تاثیر تحریم‌های امریکا بر ایران، نشریه انجمن حقوقی آسیا، دوره دوم، شماره ۴.
- کازرونی، سیدمصطفی (۱۳۹۲). بررسی اثر تحریم‌های OFAC ایالات متحده آمریکا بر روی حقوق بشر بیماران در کشورهای مورد تحریم، کنفرانس بین‌المللی اقتصاد در شرایط تحریم، بابلسر، شرکت پژوهشی طرود شمال.
- مرادی، حسین و دهشیار، حسین (۱۳۹۶). نقش کنگره ایالات متحده در وضع تحریم‌ها علیه ایران، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۳۳.

منابع لاتین:

- Carter, Barry E. (1988). **International Economic Sanctions: Improving the Haphazard US Legal Regime**, Cambridge University Press.
- Jacobson, Michael. (2008). "Sanctions against Iran: A Promising Struggle," *Washington Quarterly*, Vol. 31, No.3: PP.69-88.
- Norman. Andrew, (2017). "Constitutional Authority Statements and the Powers of Congress: An Overview", Retrieved From: www.crs.gov, (2017/9/25).
- Phillips. Amber, (2015). "Can Congress Stop The Iran Deal?", from: <http://www.washingtonpost.com>, (2015/11/12).
- Tama. Jordan, (2015). "Bipartisanship in a Polarized Age: The U.S. Congress and Foreign Policy Sanctions", School of International Service, American University, Retrieved From: <http://www.american.edu/sis/faculty>, (2016/01/18).
- Spanier. John, Eric M. Uslaner, (1985). **Americac Foreign Policy Making and the Democratic Dilemmas**, Fourth Edition, CBS College Publishing, New York.
- Watson, Darius. (2009). "Continuity and Change in the US Nuclear Nonproliferation Policy: a Critical Analysis," Paper presented at the Annual Meeting of the International Studies Association, February 15-18, 2009, New York.